



تأویل

برگرداندن **لفظ** از معنای ظاهری‌اش را تأویل گویند. تأویل در دو علم اسلامی به کار رفته است:

۱. در **علوم قرآنی**

۲. در **فقه**.

از آن به مناسبت در بابهای **جهاد**، **تجارت**، **رهن**، **عتق** و **قضاء** سخن رفته است.

فهرست مندرجات

۱ - معنای تأویل

۱.۱ - تأویل در علوم قرآنی

۱.۲ - معنای تأویل در نزد علمای الهی

۱.۲ - دیدگاه جرجانی در تأویل

۱.۴ - تأویل در فقه

۱.۴.۱ - تأویل در ارتباط با باغیان

۱.۴.۲ - تأویل در ارتباط با اقرار

۱.۴.۳ - تأویل در ارتباط با اقرار راهن

۲ - پانویس

۳ - منبع

معنای تأویل

تأویل **مشتق** از لفظ «اول» و به معنی بازگرداندن است. اگر گفته شود فلان چیز را تأویل کرده یعنی آن را به اصل اول خود بازگردانده است.

← تأویل در علوم قرآنی

تأویل از کلمات کلیدی **قرآن** و هم چنین از اصطلاحات علوم قرآنی است که در حوزه **حدیث** و **حکمت** و **عرفان** و **علوم بلاغی** و **ادبی** هم کاربرد دارد.

← معنای تأویل در نزد علمای الهی

تأویل نزد علمای الهی به معنی **تفسیر** کتابهای مقدس به نحو رمزی یا مجازی است برای آنکه معنای پنهانی آنها را **کشف** کند.

← دیدگاه جرجانی در تأویل

جرجانی گوید: تأویل در **شرع** «عبارتست از گرداندن لفظ از معنای ظاهری آن به معنایی که در لفظ **پنهان** و در نظر **مفسر** موافق **کتاب** و **سنت** باشد. مثلاً در **آیه زنده را از مرده بیرون آورد**» (يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ)

[۱] روم/سوره ۳۰، آیه ۱۹.

اگر بیرون آوردن **پرنده** از **تخم** اراده شده **تفسیر** است و اگر بیرون آوردن **مؤمن** از **کافر** یا **عالم** از **جاهل** اراده شده تأویل است.

[۲] جرجانی، میر شریف، التعریفات.

← تأویل در فقه

یکی از موارد کاربرد اصطلاح تأویل در فقه می‌باشد که در برخی از ابواب فقهی به مناسبت از آن بحث شده است.

← تأویل در ارتباط با باغیان

برخی قدما **شرط** جریان **احکام باغیان** بر خروج‌کنندگان بر **امام** علیه‌السلام را خروج به تأویل از دیدگاه خود آنان دانسته‌اند؛ یعنی برپایه تأویلی که خودشان بدان **اعتقاد** دارند بر امام علیه‌السلام خروج کنند، مانند **خوارج** و چنانچه خروج ایشان به تأویل پذیرفته نزد خودشان نباشد، در حکم **محارب** هستند و مشمول احکام **اهل بعی** نخواهند بود.

[۳] المیسوط ج ۷، ص ۲۶۵.

[۴] الوسیلة، ص ۲۰۵.

[۵] کتاب السرائر ج ۲، ص ۱۵.

← تأویل در ارتباط با اقرار

در ارتباط با **اقرار**، اگر فردی به چیزی اقرار کند، سپس کلام خود را تأویل نماید، سخن او در صورتی پذیرفته می‌شود که تأویل در حقّ وی محتمل باشد، مانند آنکه شخصی پس از اقرار به **بردگی** خویش، ادّعی غلط بودن آن را بکند و بگوید: من گمان می‌کردم **برده** بودن یکی از **پدر** و **مادر** سبب برده بودن **فرزند** می‌شود. در این فرض بنا بر قول برخی ادّعی بعدی او با وجود **بیّنه** پذیرفته خواهد شد.

[۶] مسالک الافهام ج ۳، ص ۳۷۷.

[۷] مسالک الافهام ج ۱۰، ص ۲۶۹.

[۸] تکملة العروة ج ۲، ص ۱۳۷.

← تأویل در ارتباط با اقرار رهن

تأویل **رهن** نسبت به اقرار قبلی خود دربارهٔ **مال رهنی**، چنانچه قابل پذیرش باشد همین **حکم** را دارد، مثل آنکه ابتدا اقرار کند **مال** رهنی را تحویل گرفته است، سپس از اقرار خود برگردد و بگوید: اقرار من به استناد نامه‌ای بوده که وکیلیم به **دروغ** برای من نوشته است.

در این فرض نیز ادّعی بعدی او پذیرفته و **قسم** به **مرتتهن** متوجّه می‌شود.

[۹] مسالک الافهام ج ۴، ص ۱۷-۱۸.

[۱۰] الروضة البهیة ج ۴، ص ۵۹.

پانویس

- ↑ روم/سوره ۳۰، آیه ۱۹.
- ↑ جرجانی، میر شریف، التعریفات.
- ↑ المبسوط ج ۷، ص ۲۶۵.
- ↑ الوسیلة، ص ۲۰۵.
- ↑ کتاب السرائر ج ۲، ص ۱۵.
- ↑ مسالک الافهام ج ۳، ص ۳۷۷.
- ↑ مسالک الافهام ج ۱۰، ص ۲۶۹.
- ↑ تکملة العروة ج ۲، ص ۱۳۷.
- ↑ مسالک الافهام ج ۴، ص ۱۷-۱۸.
- ↑ الروضة البهیة ج ۴، ص ۵۹.

منبع

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، ج ۲، ص ۳۲۲.
خامی، احمد، فرهنگ علم کلام، ص ۸۱